
دولت موقت انقلابی چیست

و
مردم از آن چه میخواهند؟

(سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر)

دوم فروردین ماه ۱۳۵۸

■ جنبش قهرآمیز و مسلحانه، توده‌ها بدنبال بیش از یکسال استقامت و پیگیری با دادن هزاران شهید، ضربات مهلکی بر امپریالیسم و ارتجاع بومی وارد نمود و دستاورد عظیمی بحکومت آورد. سلطنت نسکین پهلوی که میراث حکومت حیارانه دوهزاروپانصدساله، پادشاهان و امیران است از هم پاشید و شاه خائن فراری شد. در این جنبش و قیام سکوهمندکدکارکرد هقان، سرباز و دانشجو، بنسب و روکارمند، روشنفکر و روحانیت مرفعی در آن شرکت کردند، خلقهای میهن ما برای کسب دمکراسی و آزادی واقعی و استقلال وطن بپا خاستند، از مرگ نهراسیدند و نشان دادند که تنه‌اراه شکست‌عظمی دشمن قهر مسلحانه توده‌ها در برابر قهر ضد انقلابی دشمن می‌باشد.

قیام مسلحانه توده‌ها در مسیر بجا بیاوردن تکامل ملی مبارزه مردم بوقوع بیعت لیکن بقدرت سیاسی بوده، رحمکش منتهی نشد. انقلاب در نیمه راه باقی ماند و نتوانست کار دشمن را که صریحاً سختی خورده بود، یکسره کند. و با درهم کوبیدن کامل آن قدرتی را که بیان منافع عمیق توده‌های تحت‌ستم ما باشد، مستقر نماید.

توده‌های خلق در راه انقلاب، بیکباره پیش رفتند، گردابهای سازش را یکی پس از دیگری بکار زدند. لیکن در نهایت رفرمیستها و سازشکاران نگذاشتند جنبش تا پیروزی کامل پیش رود. ایسان که تا دیروز طرفدار قانون اساسی و رژیم مشروطه، سلطنتی بودند، بیکباره "انقلابی" از آب درآمدند و "نماینده" توده مردم گردیدند. ایسان که معتقد بودند شاه همانند، اما مستبد نباشد! ایسان که هیچگونه مبارزه، قاطعی را علیه امپریالیسم و سرمایه داری وابسته و رژیم نمانده، آن پیش بر دین و بر عکس پیوسته کوشیدند تا از قاطعیت این مبارزه جلوگیری نمایند، در کمین جنبش نشستند و بهنگامیکه جنبش محروم ارستاد انقلابی خود بود با سربلی که خرده بورژوازی فراهم آورده بود، بسوی قدرت خریدند. آنان دولت موقتی برقرار نمودند که نمایندگان امپریالیسم هنوز در آن جای داشتند، ولی نمایندگان واقعی کارگران و دهقانان

بآن راهی نیافتند. اینان با تمام قوا کوشیدند تا در زمانیکه سازمان دشمن در حال تلاشی بود، آنرا از اضحلال کامل برهانند، ارتش ضدانقلاب را که پیوسته پایگاه اصلی امپریالیسم و ارتجاع داخلی بوده ازتهاجم انقلابی مردم مسلح دور نمایند تا به تجدید سازماندهی بپردازد. آنان با سوار شدن بر جنبش، نگذاشتند تا انقلاب مردم آخرین پایگاههای ضدانقلاب را درهم شکنند و سنگرهای سیاسی، نظامی، اقتصادی امپریالیسم و سرمایه‌داری وابسته را درهم کوبند. انقلاب در نیمه راه ایستاد. زیرا بورژوازی لیبرال آنرا زیر رهبری خود در آورد و قدرتی بر سر کار آمد که ترکیبی از نمایندگان، لیبرالها، خسرده بورژوازی مرفه و نیز نمایندگان امپریالیسم و سرمایه وابسته میباشد و در نتیجه خلق از اعمال حاکمیت انقلابی خود محروم ماند.

چرا اینچنین شد؟

چون توده های خلق از یک سازماندهی انقلابی و سراسری، از یک آگاهی سیاسی انقلابی عمیق، برخوردار نبوده و بطور کامل مسلح نبودند. زیرا طبقه کارگر که باید رهبر جنبش باشد و آنرا پیروزمندانه بجلوراند، نه متشکل بود و نه دارای ستاد فرماندهی طبقاتی خود، طبقه کارگر که تنها طبقه تابا خرابی انقلابی است ابزار لازم جهت هدایت جنبش مردم را در دست نداشت و از همینرو انحسراف جنبش از مسیر تکاملی شامری اجتناب ناپذیر و ناگزیر بود. در میان تمام طبقات خلقی که در راه دمکراسی مبارزه میکنند، تنها طبقه کارگر است که پیگیرترین نیروی اجتماعی بوده و در راه تحقق امر انقلاب سازش ناپذیرترین طبقه بشمار میآید. این طبقه شدیدترین استثمار را متحمل میشود و فاقد ابزار تولید و هرگونه مالکیت خصوصی آنهاست. این طبقه که از قید سرمایه‌داری است در راه آرمان طبقاتی خود یعنی استقرار سوسیالیسم و رسیدن به جامعه بی طبقه بیوقفه پیش می‌تازد. ابزار طبقه کارگر در پیشروی قاطعانه در این راه حزب طبقاتی اوست. طبقه کارگر بدون حزب، حزبی که مجرب و پولادین است، حزبی که حمایت توده‌های وسیع خلقی را با خود دارد و قادر است آنها را در یک مبارزه انقلابی متحد و یکپارچه پیش ببرد، حزبی که متکی به اندیشه طبقاتی پرولتاریا، یعنی مارکسیسم - لنینیسم میباشد. آری بدون حزب کمونیست، طبقه کارگر هیچ است. این حزب طبقه کارگر است که میتواند وحدت

مبارزه، توده‌ها را برقرار ساخته، انقلاب را بطور صحیح بجلوهادیت نموده، دشمن و دستگاه طبقاتی او را منهدم نماید. طبقه کارگر بدون حزبش مانند سپاه بسی فرمانده است. نبود حزب طبقه کارگر، شکست دیرپا زود جنبش را بناگزیروموجب میشود.

انقلابی که در این مرحله از تکامل جامعه، مادر دستور کار است، انقلابی دمکراتیک و ضد امپریالیستی است. یعنی انقلابی است که باید ارتجاع داخلی را قلع و قمع نماید و نفوذ و سلطه امپریالیستهای جهانخوا را ریشه کن سازد و در نتیجه دمکراسی و استقلال را بهمراه آورد. ولی این انقلاب در عمر امپریالیسم تنها تحت رهبری طبقه کارگر واقعاً پیروز میشود. تجربیات جنبشهای جهانی، جنبش خلقهای ما و مبارزات انقلابی دوره اخیر در جامعه ما یکبار دیگر این امر را با ثبات میرساند که بدون رهبری این طبقه پیروزی بر کلیه مرتجعین داخلی و خارجی امکان ناپذیر است و توده‌های زحمتکش و نیروهای خلقی در غیر این صورت نمیتوانند بحقوق طبقاتی و انقلابی خود دست یابند و بر مسند قدرت بنشینند. دولتی که امروز بر سر کار است نماینده زحمتکشان جامعه ما نیست و هیچ نماینده‌ای از جانب کارگران و دهقانان در آن یافت نمیشود. سازشکاران نمیتوانند نمایندگان واقعی طبقات انقلابی جامعه ما باشند. فقط نمایندگان آگاه و انقلابی و متکی بزحمتکشان میتوانند از حقوق انقلابی آنان دفاع نمایند. مرتجعین و ضدانقلابیونی چون امرای ارتش ضد خلقی نمیتوانند از جنبش انقلابی مردم پاسداری کنند. آری ملت ما کشته‌نداد که سازش‌شود، ملت ما جنگید و کشته داد تا حاکمیت انقلابی خود یعنی جمهوری دمکراتیک خلق را برقرار نماید. لیکن هنوز که هنوز است توده ملت باین هدف نائل نشده است. دولت فعلی نه دربرگیرنده نمایندگان انقلاب مردم است و نه برنامه‌ای که ارائه میدهد پاسخگوی منافع عمیق آنهاست. تنها برنامه‌ای که در این مرحله میتواند پاسخگوی منافع عمیق توده‌های خلق باشد، برنامه انقلابی طبقه کارگر است که بوسیله کمونیستها بیان میگردد. این برنامه انقلابی و خصوصیات دولت موقتی که وظیفه پیشبرد آنرا برعهده دارد از نظر ما بطور مختصر چنین است:

الف- دولت موقت انقلابی قبل از هر چیز باید ارگان قیام پیروز مند توده‌ها

باشد. لنین آموزگار زحمتکشان میگوید: "حکومت انقلابی موقت ... از آن یک دوره، انقلابی و حکومتی است که بلافاصله جایگزین حکومت سرنکون شده گردیده و متکی به قیام مردم است ... حکومت انقلابی موقت ارکان مبارزه در راه پیروزی بی‌درنگ انقلاب و دفع بی‌درنگ تلاشهای ضدانقلابی است." (دو تاکتیک سوسیال دمکراسی)

قیام مسلحانه، توده‌ها با حمله سریع به مراکز و سنگرهای دشمن و ماشین دولتی مانند ارتش، ژاندارمری، پلیس و سایر اهرمهای سرکوب، که ابزار اصلی سرکوب طبقاتی بشمار آمده و تکیه‌گاه اساسی طبقه حاکم و امپریالیسم می‌باشد و با درهم شکستن آن قدرت سیاسی طبقه ارتجاعی حاکم را واژگون نموده و قدرت انقلابی توده را مستقر مینماید. قیام توده‌های مسلح بدون ^{مداخله} مداخلات و شکل قاطع ارکان حکومت سابق را خرد نموده و ارکان حکومت انقلابی را بسیاد مینهد. رژیم سابق که حسرت پاسداری از منافع طبقه حاکم و امپریالیستها رسالت دیگری نداشته نمی‌توانست بخدمت زحمتکشان درآید. تمام اجزا این دولت سرکوبگر و سیستم حاکم بر آن، علیه انقلاب سازمان یافته بود. اعتصاب کارگران توسط ارتش سرکوب میشود. مقاومت و اعتراض دهقانان توسط ژاندارمری سرکوب میشود. مبارزه و اعتراض دانشجویان توسط پلیس سرکوب میشود و کسب جنبش مردم توسط کسب این ابزارها سرکوب میشود. باین طریق انقلاب با انهدام آنان دولت انقلابی را بر سر کار آورده و توده‌های مظلوم پاسدار آن هستند. پس دولت موقت انقلابی با اتکا به قیام توده‌ها مستقر میگردد. قیام مسلحانه و انقلابی توده مردم به دولت انقلابی آنان منجر میشود. این دولت برخلاف دولت قبلی در برگیرنده نمایندگان طبقات و اقشار انقلابی می‌باشد. این دولت از آن توده‌هایی است که انقلاب کرده و در راه بارور ساختن آن خون ریخته‌اند. دولت آن کسانی است که در راه استقلال و آزادی و علیه سلطه امپریالیسم و بورژوازی وابسته و سایر مرتجعین قاطبانه مبارزه کرده‌اند. پس سازشکاران که در پی انقلاب نبودند، خواهان "شاه مشروطه طلب" بودند نمایندگانشان انقلابی نیستند. این دولت موقت انقلابی بصرف موقت بودن نمی‌تواند و

و نباید در برگیرنده سازشکاران و ضدانقلابیون باشد، دولت چه موقت و چه دائم ماهیتاً بایستی در خدمت منافع انقلاب باشد. عناصر رفرمیست و سازشکار مانند: آقای بازرگان، سنجایی و ۵۰۰ و نیز عناصر ارتجاعی چون قره‌نی، آیا می‌توانند از انقلاب و پیشرفت آن جانبداری کنند؟ خیر دسته اول از انقلاب، فقط رفرم و اصلاحات را در نظر دارد و دومی حتی اگر بظاهر پشتیبانی کند، در ماهیت علیه انقلاب حرکت میکند و توطئه می‌چیند. قره‌نی مزدور که در کودتای ۲۸ مرداد شرکت داشته، رئیس‌رکن ۲ بوده، و در سالهای ۴۰ در یک کودتای آمریکائی دست داشته، نماینده انقلابی مردم نیست او نماینده آمریکاست. نشان دادن این مزدور به عنوان یک میهن پرست و کودتای ضدانقلابی او را بعنوان یک "کودتای انقلابی" معرفی کردن فریب مردم است. از طرف دیگر آقایان سنجایی فروهر، بازرگان و ۵۰۰ آیا کسانی نبودند که تا همین چند وقت اخیر قبل از وقوع قیام از رژیم مشروطه سلطنتی دفاع میکردند و اجرای "قانون اساسی" را خواستار بودند؟ کسانی که خواهان قانون اساسی بودند یعنی عملاً خواهان این امر بودند که شاه خائن سلطنت کند و در ایران رژیم سلطنتی باقی بماند، و همان زمان که اینان "قانون اساسی" را مطرح میکردند، توده‌های قهرمان ما و نیروهای انقلابی، در مبارزات قهر - آمیز، دموکراتیک - ضدامپریالیستی خود، "قانون اساسی" لگدمال میکردند و سرنگونی رژیم محمدرضا شاه خائن را فریاد میزدند. خواست عمیق توده‌های ملت، انقلاب، یعنی سرنگونی کامل سیستم و طبقه حاکم، یعنی تغییر بنیادی در تمام زمینه‌ها، یعنی قطع نفوذ امپریالیسم، یعنی استقرار قدرت خلق، بوده و می‌باشد. در حالیکه رفرمیست و اصلاح - طلب، خواهان رفرم و اصلاحاتی چند، بدون اینکه اساس ستمگرانه نظام موجود از هم باشد، می‌باشد. پس خواست توده‌ها انقلاب، کارتوده‌ها قیام انقلابی آنان، و هدف آنان دولت انقلابی می‌باشد. بنابراین آیا دولت فعلی نماینده واقعی زحمتکشان می‌باشد؟

دولت انقلابی باید بطور مستقیم و غیر مستقیم منتخب توده‌ها باشد. مردم باید این امکان را داشته باشند تا از طریق ارگانهای

توده‌ای خود، مانند شوراها، کمیته‌ها و غیره و با تکیه بر آگاهی و تجربه مبارزاتی خود به انتخاب نماینده خود دست زنند. این امکان و شرایط روحیه، خلاق توده‌ها را گسترش داده و به آنها شیوه حکومت بر خود را می‌فهماند و به سرنوشت خود آگاه می‌سازد. آیا کارگران، دهقانان و سایر زحمتکشان می‌دانند که "شورای انقلاب" کی و کجا تشکیل شد و افراد موجود در آن کیستند؟ آیا افراد موجود در آن توسط شوراها، کارخانه‌ها، روستاها، محله‌ها و ... انتخاب گردیدند؟ جواب منفی است. دموکراسی خلقی آنست که خود مردم بطور مستقیم به نظر دهی و انتخاب دست زنند. انتماب افرادی ضدانقلابی چون نوروزی، قره‌نی، سرهنگ توکلی در شورا و کابینه و کمیته، انتخاب مردم نبود، زیرا که اینان نمایندگان مردم نیستند. مردم خود باید بگویند و تصمیم بگیرند نه دیگران. بنا براین یک دولت موقت انقلابی به معنای واقعی آن ارگان قیام پیروزمند و منتخب توده‌های مردم می‌باشد و نه چیز دیگر.

ب- دولت موقت انقلابی به فراهم کردن تمام ابزار و شرایطی دست می‌زند که منجر به برقراری جمهوری دمکراتیک خلق برهبری طبقه کارگر گردد.

حکومت آینده از نظر شکل، جمهوری دمکراتیک بوده و متضاد با شکل سلطنتی، دیکتاتوری فاشیستی و یا غیره است و از نظر مضمون مبین منافع کارگران، دهقانان و خرده‌بورژوازی و سایر توده‌های مترقی و انقلابی می‌باشد. تا زمانی که این جمهوری برقرار نشده هدف این مرحله از انقلاب برآورده نخواهد شد. تا زمانی که این جمهوری مستقر نشده نظم کهن به کنار نرفته و توده ملت هنوز آزادی خود را بدست نیاورده است، همه طبقات انقلابی و بویژه طبقه کارگر در راه این هدف مبارزه میکنند تا پاسدار حقیقی آرمان آنان بر پا گردد. منافع انقلابی - بی دهقانان و خرده‌بورژوازی و منافع مرحله‌ای طبقه کارگر که بسرا راه سوسیالیسم خواهد رفت، جز از طریق استقرار جمهوری دمکراتیک خلق برهبری پرولتاریا امکان پذیر نخواهد بود. لنین می‌نویسد: " ما یعنی

حزب پرولتاریا باید این برانداختن (نظم کهن) را عملی سازیم، برانداختن واقعی فقط استقرار جمهوری دمکراتیک است. این جمهوری را ما باید بدست آوریم و ما برای نیل به آن و آزادی کامل نه تنها با حکومت مطلقه بلکه با بورژوازی هم، هنگامیکه تلاش خواهد نمود (وحتما هم خواهد نمود) بیروزیهای ما را از چنگ ما خارج سازد، مبارزه خواهیم کرد. " (دو تاکتیک سوسیال دمکراسی)

در راه استقرار این جمهوری باید مجلس مؤسسانی تشکیل گردد که واقعاً منتخب توده های مردم است و نمایندگان انقلابی آنان را در خود جای میدهد، این "مجلس موسسان که خود تکیه بر خلق آزاد و مسلح داشته و دارای قدرت کامل برای ایجاد شرایط نوین می باشد، به ارائه آن قانون مقدسی می پردازد که حافظ منافع توده هاست. بدین ترتیب قانون اساسی جمهوری دمکراتیک خلق که اینبار نه در خدمت به امپریالیستها و سرمایه داران بلکه در خدمت توده های تحت ستم است و از حقوق آنان دفاع میکند، توسط مجلس مؤسسان تدوین و تصویب میگردد و بسا اتکاء به قدرت مسلح توده باجرا در می آید.

برای انتخاب مجلس موسسان باید تمام گروهها، سازمانها و احزاب انقلابی، آزادی نام و تمام برای تبلیغات و فعالیت را داشته باشند. سیاست و شعار خود را به قضاوت رای مردم بگذارند. هرگونه مانع، خفقان و سانسوری در تحقق امر فوق باید درهم شکسته شود. تحسین بهانه های گوناگون نباید حیطه دمکراسی را محدود کرده و از گسترش آن جلوگیری نمود، هر قدر دمکراسی وسیعتر باشد توده های مردم به حقوق خود نزدیکتر شده اند.

بدین ترتیب دولت موقت انقلابی شرایط تشکیل مجلس مؤسسان منتخب مردم را فراهم کرده، این مجلس قانون اساسی جمهوری را که به رای و نظر خواهی مردم رسیده، تصویب می نماید و سپس جمهوری دمکراتیک خلق برقرار می شود.

آیا دولت موقت بازرگان در مسیر فوق کام بر میدارد؟ جواب منفی است. آیا دولت بازرگان آزادی کامل را به خلق ما عرضه میدارد؟ آیا

اجازه میدهد تا توده‌ها شورای انقلابی خود را انتخاب کنند؟ آیا
اجازه میدهد که افراد و نیروهای انقلابی مسلح باقی بمانند؟ آیا در پی
آنست تا توده‌ها را مسلح نموده در برابر ضد انقلاب مسلح قد برافرازند؟
آیا بتمام گروهها و نیروهای مترقی و انقلابی اجازه میدهد تا در روز -
نامه، رادیو، تلویزیون و هر جای دیگر حرف خود را بزنند و بسودن
هیچگونه محدودیت و سانسوری نظر خود را بیان دارند؟ آیا قانون اساسی
را به رأی مردم می‌گذارد تا مردم قهرمان ما نظر بدهند و آگاه باشند
تا به چه راه حلی رأی بدهند؟ جوابها همه منفی است. آقای بزرگان
در پی آنست تا قبل از ارائه قانون اساسی به مردم و نظرخواهی از
آنان از مردم رأی بگیرد! آقای بزرگان می‌گویند یا باید به جمهوری
اسلامی رأی داد یا به سلطنت. نمایندگان دولت فعلی می‌گویند چگون
اکثریت می‌گویند اسلام بنا بر این همه باید به جمهوری اسلامی رأی بدهند. آیا
این شیوه کار و این سیاست نوعی اعمال دیکتاتوری و فلج کردن دمکراسی
نیست. بلکه در حال حاضر ممکن است اکثریت مردم به جمهوری اسلامی رأی
بدهند. ولی این امر دلیل بر آن نیست که این جمهوری خواست انقلابی
و طبقاتی زحمتکشان را پاسخ می‌گوید. دولت بزرگان به بهای فقیر
سیاسی و فرهنگی مردم برای خود پشتیبان می‌سازد. این امر حقانیت
ندارد. و بعلاوه اگر بخواهد این پشتیبانی را حفظ کند باید فقر سیاسی
مردم را حفظ نماید و بدین خاطر مجبور میشود از آزادی نیروهای انقلابی در
تبلیغ نظراتشان جلوگیری نماید. آقای بزرگان می‌گویند انتقاد نکنید، اما
انتقاد درست بکنید. آیا نیروهای انقلابی انتقادات ناصحیح ارائه نموده
اند؟ آنها پیوسته کوشیده‌اند تا پیگیری و عمق جنبش را گسترش دهند. آقای
بزرگان با صحبت خود میخواهد بگوید که اساسا انتقاد نکنید. زیرا سیاست
غیرانقلابی ایشان برملا میشود و توده‌ها آگاه میشوند.

دولت انقلابی سیاستش انقلابی است. راه و روشش انقلابی است و برنامه
اش انقلابی است. برنامه دولت انقلابی در آن جهت است تا تمام بقایا و
مظاهر نظام ارتجاعی کهنه را در تمام زمینه‌های اقتصادی - سیاسی -
فرهنگی و نظامی منهدم ساخته و بنیادهای نوینی برپا سازد. بنیادهایی که

استقلال و دمکراسی را در تمام ابعاد خود پایه مینهد. امپریالیستهای طی سالیان دراز در گوشه و کنار میهن مارپیشه دوانده و بمکیدن خون ملت ادامه میدادند. این برنامه باید بقطع نفوذ هر چه سریعتر امپریالیستهای بیانجامد. هر چند ر پایگاههای امپریالیستهای در میهن مایفا یابد، بهمان میزان سارت و بردگی خلقهای ما ادامه پیدا میکند. مردم ما حاضرند گرسنگی بکشند و سختی را تحمل کنند اما امپریالیستهای اجازه ندهند که به غارتگری خود ادامه دهند. دولت انقلابی از فشارها و تهدیدهای امپریالیستهای باکی نخواهد داشت. تمام سرمایه‌های امپریالیستی، بانکها، صنایع و موسسات امپریالیستی و وابسته بآنها با انکاء به توده‌های مسلح ملی خواهد کرد. تجربه، انقلابات پیروز مندیگر چون انقلاب اکتبر روسیه، انقلاب چین، آلبانی و... اثبات نمود که این اقدام انقلابی و بزرگ، شدنی است. انقلاب نمیتواند با ضد انقلاب مماشات و سازش کند. تمام پیمانها، معاهدات سیاسی نظامی اقتصادی و فرهنگی ملغی میشود و پایگاههای گوناگون سرمایه، وابسته، داخلی تخریب شده و کلیه سرمایه‌های آنان بِنفع انقلاب مصادره میشود.

دولت آقای بازرگان در این زمینه‌ها چه اقدامی کرده است؟ کدام سرمایه و بانک امپریالیستی و وابسته را ملی کرده است؟ و برعکس آیا مسئولین دولتی نبودند که بیان کردند سرمایه‌داران خارجی میتوانند در ایران سرمایه‌گذاری کرده و ایران امکانات لازم را فراهم می‌آورد؟ در ارتباط با امپریالیسم آمریکا چه اقدامات قابل اتکالی صورت گرفته است؟ آقای بازرگان بکار - کرانی که درخواست حقوق عقب افتاده، خود را دارند میگوید صبر کنید، چرا عجله دارید؟ اولی نسبت با امپریالیستهای و منافع آنان بی تفاوت باقی مانده و عجله ای ندارند.

دولت انقلابی همانطور که قبلاً بیان شد با درهم شکستن ماشین دولتی ضد انقلاب مستقر میشود. دستکاهای نظامی، پلیسی، جاسوسی ارتجاع نمیتوانند بخدمت انقلاب درآیند. این ابزارها، پایگاههای امپریالیسم و نوکران بومیشان میباشد. انقلاب، نیروهای مسلح انقلابی خاص خود میخواهد. این نیرو در - کیرنده، مردم مسلح است. ارتش خلق میباشد. ارتش شاهنشاهی که طی قریب ۳۰ سال توسط مستشاران آمریکائی هدایت و تربیت شده و امر او سران و مهره‌های

مهم آن سرسپردگان بیگانه هستند، نمیتوانند بخشه با رتش منی و انقلابی بدل کرده. طبعاً برای حفظ دستاوردهای انقلاب و مقابله و سرکوب دشمنان انقلاب باید مسلح بود و ارتش داشت. بدون نیروهای مسلح، پایداری و مقاومت در برابر امپریالیسم و نوکراتش غیرممکن است. منتها این ارتش، ارتشی - است که از سربازان انقلابی و میهن پرست، از کارگران و دهقانان تشکیل شده است، و نه ارتشی مزدور. دولت بازرگان در قبال ارتش چه کرد؟ با سوء - استفاده از مبارزه و اعتراض سربازان و افسران میهن پرست، تمامی ارتش را تیرنه کرد و به خلع سلاح مردم و نیروهای انقلابی پرداخت. دولت فعلی اجازه داد تا ارتش خود را دوباره بازسازی نماید و مواضع از دست رفته را پس بگیرد. ارتشی که مرکز توطئه چینی از جانب ژنرالها و سرهنگان آمریکائی می باشد، دوباره امکان مییابد که سازمان خود را رو براه نموده و خود را جهت سرکوب بعدی جنبش آماده سازد. (نمونه کشتار اخیر مردم سنندج توسط نیروهای ارتجاعی درون ارتش بخوبی نمایانگر این واقعیت است). نوع برخورد با رتش بیانگر این است که یک مشی، آیا انقلابی است یا لیبرال و محافظه کارانه. بر خورد دولت فعلی نوع برخورد لیبرالی و غیر انقلابی است. چرا که بقای ارتش ارتجاعی را تضمین مینماید.

وظایف دولت انقلابی بسیار متعدد است. ضبط زمینهای امپریالیستها، زمین داران کمیرادور و فئودالها، بنفع دهقانان، بوجود آوردن شورای انقلابی کارگری، سندیکاهای کارگری انقلابی و ایجاد تمام امکانات رفاهی برای کارگران انقلابی که ستون فقرات انقلاب میباشند. تامین آزادی برای زنان و تساوی همه جانبه بین زن و مرد، برسمیت شناختن حقوق خلقهای ستمدیده ایران ... از آن جمله اند.

آقای بازرگان و دولت او کدام یک از این موارد را با خود آوردند است؟ هیچکدام. این دولت حتی جلوگیری میکند که کارگران شورایی و سندیکای واقعی تشکیل دهند، حتی از اعصاب که جز اولیترین حقوق کارگران است مانع بعمل میآورد و بزور آنان را وادار بکار میکند.

بدلائل فوق، با توجه به ناهمساز دولت جدید، که نمیتواند نیازهای
جنبش عمیق و انقلابی توده‌ها را پاسخ گوید، مبارزه دموکراتیک علیه
بقایای سلطه امپریالیسم و ارتجاع، با حقوق خواسته‌ها و استمرار جمهوری
دمکراتیک خلوع ادامه دارند.

نابود باد بقایای ارتجاع و امپریالیسم

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

بها، هراس